

دکتر احد نویدی

دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای در متوسطه

مقدمه

می‌شود. به همین دلیل، همه دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسطه را در راستای تلاش برای افزایش نرخ ثبت‌نام در کل دوره متوسطه گسترش بدهند. توسعه اقتصادی پایدار تا حد زیادی به برقراری رابطه میان بازده‌های مدارس و بازار کار بستگی دارد. آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآموزی می‌تواند نقشی کلیدی در پرداختن به موضوع تناسب نداشتن مهارت‌های کسب‌شده با نیازهای جامعه ایفا کند. بنابراین، نیازی فوری به بهبود کیفیت و تناسب آموزش فنی و حرفه‌ای و نیز گسترش تدارک آن وجود دارد تا به تعداد بیشتری از جوانان اجازه داده شود، از فایده‌های آن بهره‌مند شوند. در زمینه تدارک و ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآموزی در مدارس متوسطه، رویکردهای مختلف وجود دارند. بدون تردید مسیر تدارک برنامه جامع آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآموزی پر از مانع است. یک راه گسترش آن به فراتر از مدارس فنی و حرفه‌ای سنتی،

با توجه به اهمیت آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآموزی، در طول ۱۰ سال گذشته، به جز تعدادی از کشورهای توسعه یافته در مرحله بعد از صنعتی شدن آن‌ها، نرخ ثبت‌نام در آموزش فنی و حرفه‌ای دوره دوم متوسطه در اغلب کشورهای در حال توسعه دارای درآمد متوسط افزایش یافته است. این افزایش با افزایش نرخ ثبت‌نام در کل دوره متوسطه همراه بوده است. گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای به افزایش تعداد افراد تحت پوشش دوره متوسطه کمک کرده است. این نتیجه با یافته‌های مطالعات قبلی هماهنگ است. برای مثال، بی‌شاپ^۱ (۲۰۰۵) با ملاحظه سازوکار چنین رابطه مثبتی نتیجه می‌گیرد که معرفی گزینه‌های آموزش حرفه‌ای در سطح متوسطه موجب می‌شود که دانش‌آموزان مدتی طولانی در مدرسه بمانند و این موضوع به نوبه خود جمعیت فارغ‌التحصیلان کارآموز را افزایش می‌دهد و موجب حمایت بیشتر کارفرمایان از گسترش بیشتر آموزش و پرورش در سطح متوسطه

کلیدواژه‌ها:

آموزش متوسطه،
فنی و حرفه‌ای، کارآموزی

آیا حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه در کل یک خط‌مشی روا و معتبر است؟

توسعه اقتصادی پایدار تا حد زیادی به برقراری رابطه میان بازدهای مدارس و بازار کار بستگی دارد

مدرسه) برگزار می‌کنند، به گسترش مهارت‌آموزی در سطح متوسطه کمک می‌کنند.

آیا حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه در کل یک خط‌مشی روا و معتبر است؟ صداهای حاوی این استدلال شنیده می‌شوند که آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در مدارس متوسطه در دام همان چالش‌هایی خواهد افتاد که مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی (هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای) با آن‌ها مواجه هستند. فقدان منابع مالی کافی، کمبود معلم حرفه‌ای تربیت شده و نبود روش‌های سنجش مناسب، ممکن است دوره‌های آموزش حرفه‌ای را به سطح آموزش نظری تنزل دهد. این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که چرا حرفه‌ای‌سازی به‌عنوان یک حوزه پژوهش به توجه بیشتر نیاز دارد. نیاز است پژوهش و مباحث انتقادی ادامه یابد تا به یادگیری متقابل بینجامد.

در بیانیه سومین کنگره بین‌المللی آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت که در ماه می ۲۰۱۲ در «شانکای» (چین) برگزار شد، بر اهمیت آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت در فرایند دستیابی به هدف آموزش و پرورش برای همه، تأکید شد. از آموزش فنی و حرفه‌ای انتظار می‌رود که در دستیابی به اهداف آموزش و پرورش برای همه و اهداف توسعه هزاره در ۲۰۱۵ مشارکت فعال داشته باشد. در مباحث بین‌المللی اهمیت آموزش فنی و حرفه‌ای در برنامه توسعه بین‌المللی بعد از ۲۰۱۵ به‌طور فزاینده‌ای به رسمیت شناخته می‌شود.

در این کنگره (۲۰۱۲، شانکای) در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای، بر مبنای چالش‌های مشخص شده در طول کنگره، توصیه‌های ملموسی به شرح زیر به کشورهای عضو و ذی‌نفعان آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه شده:

۱. افزایش رابطه؛
۲. گسترش دسترسی و بهبود کیفیت و برابری؛
۳. تطبیق صلاحیت‌ها و مسیرهای توسعه؛
۴. بهبود پایگاه داده‌ها و شواهد؛
۵. تقویت مدیریت و گسترش مشارکت؛
۶. افزایش سرمایه‌گذاری و تنوع منابع مالی؛
۷. افزایش حمایت قانونی.

چالش‌های گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآموزی

تلاش مسئولان برای گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسطه همیشه موفقیت‌آمیز

از طریق عرضه آن درون جریان آموزش متوسطه عمومی است.

در این مقاله کوتاه، ضمن اشاره به مفهوم «حرفه‌ای‌سازی»، راه‌هایی برای تلفیق آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسطه ارائه می‌شود. هدف اصلی این نگارنده آن است که مرجع مفیدی برای سیاست‌گذاران و کارگزاران فراهم شود تا آن‌ها با اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه در راستای سیاست‌های توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآموزی در سطح متوسطه، به جوانان کمک کنند، توان و ظرفیت خود را توسعه دهند و به زندگی مولد و مرفه هدایت شوند.

برای مجهز کردن جوانان به مهارت‌های مورد نیاز، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید تقویت شوند و بیشتر توسعه یابند. شواهدی وجود دارند که نشان می‌دهند، آموزش و پرورش متوسطه همواره گسترش یافته و ممکن است آموزش فنی و حرفه‌ای در گسترش آن نقش داشته است. با وجود این، آموزش فنی و حرفه‌ای هنوز از یک برچسب آموزش درجه دوم رنج می‌برد و به همین دلیل در جذب دانش‌آموزان مستعدی که به جای آن، آموزش عمومی را انتخاب می‌کنند، شکست می‌خورد.

چگونه آموزش فنی و حرفه‌ای را برای جوانان قابل دسترس‌تر کنیم؟

متأسفانه فرمول سحرآمیزی برای انجام این کار وجود ندارد. تنوع شرایط و منابع از تدارک و اجرای الگویی که برای همه جوامع برانزده باشد، جلوگیری می‌کند. در عوض آنچه در میان کارگزاران به‌طور فزاینده مورد بحث قرار می‌گیرد، پیدا کردن راه‌های مقرون به‌صرفه فراهم ساختن مهارت‌های عملی برای دانش‌آموزان و حفظ آنان در مدرسه است.

معرفی برنامه مهارت‌آموزی در سطح متوسطه عمومی ممکن است یکی از گزینه‌ها باشد. حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه برای توصیف هدف نهایی «بهبود تناسب حرفه‌ای آموزش و پرورش» ابداع شده است که به‌طور سنتی، به‌عنوان «حرفه‌ای‌سازی برنامه درسی مدارس متوسطه عمومی» فهمیده می‌شود و به‌وسیله آن دانش‌آموزان در دوره آموزش متوسطه عمومی در معرض موضوعات حرفه‌ای و عملی قرار می‌گیرند. با وجود این، رویکردهای دیگری به‌طور فزاینده زیر چتر «حرفه‌ای‌سازی» قرار می‌گیرند. برای نمونه، مدارس متوسطه روستایی که دوره‌های آموزش عمومی و فنی و حرفه‌ای (در همان

در مناطق دوردست و پراکنده برنامه‌هایی را اجرا کرده‌اند. یک نمونه آن گسترش مراکز مهارت‌آموزی غیررسمی برای بزرگسالان بی‌سواد و جوانان خارج از مدرسه است که معمولاً به صورت دوره‌های کارآموزی کوتاه‌مدت اجرا می‌شوند. برای مثال، گسترش آموزش غیررسمی در تایلند بسیار چشمگیر است. چنانکه در تایلند تعداد دانش‌آموزان سطح بالاتر آموزش متوسطه که از طریق نظام آموزش غیررسمی مدارک تحصیلی گرفته‌اند، افزایش یافته و از حدود ۳۵ درصد در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است.

به جای اجرای چنین دوره‌های کوتاه‌مدت برای جوانان غیرماهر بعد از ترک مدرسه، راهبرد دیگر ممکن است فراهم کردن فرصت‌های کسب مهارت‌های عملی در زمان حضور در مدرسه باشد. تحت پوشش قرار دادن موضوعات حرفه‌ای در آموزش رسمی ممکن است برای حفظ دانش‌آموزان در مدرسه مؤثر باشد؛ به‌ویژه برای کسانی که احساس می‌کنند، آموختن موضوعات درسی عمومی در پیدا کردن شغل به آن‌ها کمک نمی‌کند. بدون شک، برای تضمین کیفیت، عرصه آموزش فنی و حرفه‌ای نیازمند معلمان متخصص و محیط یادگیری اختصاصی است. با وجود این، اگر مشکل فراهم کردن چنین آموزش با کیفیتی تداوم داشته باشد، بهترین گزینه دوم همانا تجهیز دانش‌آموزان به مهارت‌های پایه برای زندگی قابل پذیرش است. در این راستا، سیاست‌گذاران در تلاش هستند راه‌هایی بدیل برای فراهم کردن آموزش حرفه‌ای از طریق مؤسسات غیراختصاصی و غیرحرفه‌ای، مانند مدارس متوسطه عمومی، پیدا کنند. این امر می‌تواند دلیل اصلی افزایش علاقه به حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه در کشورهای در حال توسعه تلقی شود.

مفاهیم و اهداف حرفه‌ای‌سازی

با توجه به مفهوم حرفه‌ای‌سازی، رویکرد سنتی این است که برنامه درسی طوری اصلاح شود که مؤلفه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای را دربر داشته باشد. برای مثال، لاگلو^۲ (۲۰۰۵) آموزش متوسطه حرفه‌ای شده را به‌عنوان «یک برنامه درسی که در طبیعتش ویژگی عمومی یا علمی را به‌شدت حفظ می‌کند و در عین حال، موضوعات درسی حرفه‌ای و کار عملی را به‌عنوان بخش کوچکی از جدول زمان‌بندی دانش‌آموز در طول دوره مدرسه متوسطه

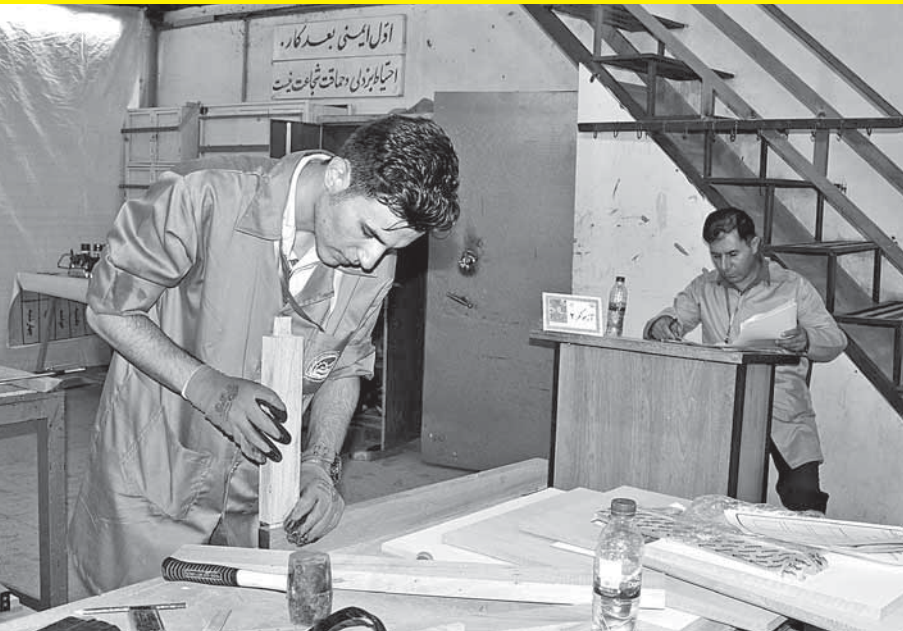
نبوده است. بسیاری از کشورهایی که هنوز آموزش فنی و حرفه‌ای را به‌عنوان آموزش درجه دوم در نظر می‌گیرند. این آموزش‌ها تنها دانش‌آموزانی را تحت پوشش قرار می‌دهند که از لحاظ علمی صلاحیت کمتری دارند، همواره در جذب دانش‌آموزان به برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسطه با شکست مواجه بوده‌اند. این امر می‌تواند به کاهش ثبت‌نام در آموزش فنی و حرفه‌ای سطح متوسطه منجر شود. ریشه چنین درکی ممکن است تا اندازه‌ای در تعصب سنتی یا فرهنگی نسبت به آموزش دانشگاهی (نظری) باشد. با این حال، باید اذعان داشت که چنین دیدگاه‌های منفی تا حدی منعکس‌کننده واقعیت - مانند فرصت‌های محدود فارغ‌التحصیلان آموزش فنی و حرفه‌ای در به دست آوردن مشاغل شایسته - هستند. بنابراین، تنها با تغییر تصویر ذهنی عموم مردم نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نمی‌توان بر این دیدگاه‌های منفی غلبه کرد، بلکه موضوع اساسی بهبود فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموزان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

همچنین، مسائل مرتبط با تدارک آموزش فنی و حرفه‌ای ممکن است به‌عنوان موانع گسترش ثبت‌نام در برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای دیده شوند. به‌طور آشکار، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اثر نیاز به امکانات تخصصی، تجهیزات و مواد آموزش عملی، نسبت به آموزش عمومی به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز دارد. با توجه به هزینه بالای تدوین و اجرای دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای در جاهایی متمرکز می‌شوند که انتظار دارند ثبت‌نام متقاضیان تأمین شده باشد. این شرایط موجب دسترسی محدود به آموزش فنی و حرفه‌ای برای کسانی می‌شود که در مناطق دوردست یا پراکنده زندگی می‌کنند و یا با مشکل دسترسی به وسایل حمل و نقل مواجه هستند. در چنین مناطقی معمولاً اولویت دولت‌ها ساختن مدارس ابتدایی (و در صورت وجود منابع، دایر کردن مدارس متوسطه سطح پایین‌تر) است، زیرا گسترش آموزش و پرورش پایه برای تعداد زیادی از دانش‌آموزان ممکن است. در چنین مناطقی تأسیس مدارس تخصصی آموزش فنی و حرفه‌ای محدود می‌شود و معمولاً عرضه این آموزش‌ها در مقابل تقاضای بالقوه بزرگ جوانانی که انتظار می‌رود به‌جای ادامه تحصیل، وارد بازار کار بشوند، کم‌ناکافی است.

بسیاری از کشورها برای ارائه آموزش فنی و حرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین اهداف حرفه‌ای‌سازی افزایش «تناسب اقتصادی آموزش و پرورش» است

حرفه‌سازی شده در بالا بردن سطح آگاهی‌های اکثر دانش‌آموزان از بازار کار مفید تلقی می‌شود. در نتیجه، آموزش حرفه‌ای شده را می‌توان به‌عنوان آموزش پیش‌حرفه‌ای در نظر گرفت که مفروضه آن انتقال مستقیم به بازار کار نیست، بلکه هدف آن آماده کردن دانش‌آموزان برای آموزش حرفه‌ای فشرده در مرحله بعدی است.



بحث‌های مربوط به مناسب بودن رویکرد حرفه‌ای‌سازی

در حالی که سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه علاقه زیادی به «حرفه‌ای‌سازی» نشان می‌دهند، باید در نظر داشت که بحث‌هایی جدی درباره روایی چنین رویکردی وجود دارد. گاهی این بحث‌ها به اصل موضوع مربوط می‌شوند؛ اینک: «آیا خود آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای گزینه‌ای مناسب برای کشورهای در حال توسعه است؟» برای مثال، به گفته لاکلو (۲۰۰۵)، ساخاراپولس آ و لاکسلی^۴ (۱۹۸۵) دریافتند که بر حسب نرخ بازده داخلی سرمایه‌گذاری، بازده مسیر آموزش حرفه‌ای نسبت به مسیر دانشگاهی پایین‌تر است و بر حسب اشتغال، دوره‌های آموزش حرفه‌ای هیچ مزیتی نسبت به رشته‌های نظری ندارند. بنابراین، با توجه به ضرورت همگانی ساختن آموزش عمومی، دغدغه گسترش آموزش حرفه‌ای را نباید به‌عنوان اولویت بالا در کشورهای با مشارکت پایین در آموزش و پرورش در نظر گرفت.

به‌وسیله تدریس مهارت‌های حرفه‌ای، دانش‌آموزان بعد از ترک مدرسه به شغلی پیدا کنند و سپس تربیت شده‌تر و در نهایت بعد از ورود به بازار کار مولدتر می‌شوند

دربر دارد»، تعریف می‌کند. نزدیک‌ترین اصطلاحات مرتبط عبارت‌اند از: برنامه درسی متنوع؛ جهت‌یابی شغلی؛ درس‌های عملی در مدارس متوسطه؛ آموزش و پرورش پیش‌حرفه‌ای. هدف این رویکرد قرار دادن تعداد بیشتری از دانش‌آموزان در معرض آموزش حرفه‌ای است» [Mac lean & Lauglo, 2005: 3].

با وجود این، رویکردهای دیگری را هم می‌توان به‌عنوان مواردی از «حرفه‌ای‌سازی» در نظر گرفت. مانند زمانی که هدف حرفه‌ای‌سازی ارتقای تناسب حرفه‌ای کل نظام آموزش و پرورش از طریق گسترش طیف و قرار دادن تعداد بیشتری از دانش‌آموزان در معرض آموزش فنی و حرفه‌ای است. در این مورد، برای نمونه، مدارس جامع برنامه‌های درسی عمومی و حرفه‌ای را در همان ساختمان مدارس ارائه می‌دهند که می‌تواند به‌عنوان حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه تلقی شود. بنابراین، آن گروه از دانش‌آموزانی که در برخی مناطق تعداد معدودی مؤسسه آموزش فنی و حرفه‌ای و به تبع آن فرصت‌های محدودی برای دسترسی به آموزش فنی و حرفه‌ای در اختیار دارند، از طریق این نوع مدارس می‌توانند در معرض آموزش حرفه‌ای قرار گیرند. اصطلاح حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه برای توصیف روش‌های متفاوت ارائه آموزش حرفه‌ای به دانش‌آموزانی که دسترسی محدودی به آموزش فنی و حرفه‌ای دارند نیز به کار می‌رود.

یکی از مهم‌ترین اهداف حرفه‌ای‌سازی افزایش «تناسب اقتصادی آموزش و پرورش» است [همان، ص ۷-۸].

بدین معنی که به‌وسیله تدریس مهارت‌های حرفه‌ای، دانش‌آموزان بعد از ترک مدرسه به آسانی می‌توانند شغلی پیدا کنند و سپس تربیت‌شده‌تر و در نهایت بعد از ورود به بازار کار مولدتر می‌شوند. از این نظر آموزش و پرورش حرفه‌ای‌سازی شده ممکن است به‌عنوان بخشی از آموزش حرفه‌ای دیده شود که پیش‌فرض آن انتقال مستقیم دانش‌آموزان به بازار کار بعد از فراغت از تحصیل است. از طرف دیگر، این‌گونه الحاق موضوعات حرفه‌ای به برنامه درسی آموزش عمومی را می‌توان فراهم ساختن شانس کسب فهم و درک اولیه از شغل و توسعه حرفه‌ای برای تعداد زیادی از دانش‌آموزان دوره متوسطه به‌شمار آورد. بنابراین، حتی اگر همه دانش‌آموزان نظام حرفه‌ای شده وارد بازار کار نشوند، آموزش

گنجاندن نسبت کوچکی از موضوعات حرفه‌ای در کل برنامه‌دروسی به بهبود معنادار در فرصت‌های شغلی دانش‌آموزان شرکت‌کننده منجر نمی‌شود

چنین ادعایی ممکن است به‌عنوان نگرش منفی بیش از حد نسبت به آموزش فنی و حرفه‌ای تلقی شود، با توجه به اینکه در منطقه مورد بحث کشورهایی هستند که در آن‌ها آموزش فنی و حرفه‌ای نقشی مثبت داشته و به توسعه اقتصادی کمک کرده است. فراتر از این مخالفت بنیادی، براساس ارزشیابی تلاش‌های قبلی، درباره مناسب بودن رویکرد حرفه‌ای‌سازی نگرانی‌های مشروع و منطقی وجود دارد. برای مثال، لاکلو (۲۰۰۵) هنگام تحلیل مطالعات ردیاب انجام شده در کشورهای در حال توسعه واقع در صحرای آفریقا که با آموزش حرفه‌ای‌سازی شده سروکار داشتند، تأکید کرد گنجاندن نسبت کوچکی از موضوعات حرفه‌ای در کل برنامه درسی (برای مثال، ۱۰ تا ۲۰ درصد زمان آموزش) به بهبود معنادار در فرصت‌های شغلی دانش‌آموزان شرکت‌کننده منجر نمی‌شود. براساس مطالعات ردیابی در کنیا، آموزش و پرورش صنعتی - موضوعاتی که بیشتر به تربیت صنعتی مربوط‌اند - تنها برای پنج درصد دانش‌آموزان شرکت‌کننده تأمین شده است، در حالی که ۴۰ درصد دانش‌آموزان آموزش در موضوعات دانشگاهی را ادامه دادند و ۴۰ درصد دیگر یک سال بعد از اتمام آموزش صنعتی بی‌کار بودند.

حرفه‌آموزی مقدماتی (مانند کسب و کار عمومی، کشاورزی، آموزش توزیعی و مشاغل بهداشتی) اثرات معناداری بر اشتغال و بی‌کاری، نرخ‌های دستمزد و درآمد فارغ‌التحصیلان سال‌های ۱۹۹۳ یا ۲۰۰۰ نداشته‌اند.

البته این استدلال‌ها لزوماً به این معنی نیست که رویکرد حرفه‌ای‌سازی در هر شرایطی محکوم به شکست است. برخلاف نتایج مربوط به دوره‌های مقدماتی، بیشاب (۲۰۰۵) دریافت که گذراندن هر دوره آموزش فنی و حرفه‌ای اضافی غیررایانه به درآمدهای بالاتر از متوسط درآمدهای سال‌های ۱۹۹۳ (۴/۶ درصد) و ۲۰۰۰ (۱/۴ درصد) منجر می‌شود. و بنابراین، نسبت‌های هزینه - فایده و نرخ‌های بازده داخلی به‌طور چشمگیری بالا هستند: نسبت‌های هزینه - فایده بیش از ۶ درصد و نرخ‌های واقعی بازده داخلی بیش از ۱۸ درصد [Bishop & Mane, 2005:350].

همچنین، «دفتر مشورتی اتریش و بیلنتف» (۲۰۰۵) نشان داد، دانش‌آموزان مدارس فنی در موزامبیک که سه سال بعد از فارغ‌التحصیل شدن ردیابی شدند، تقریباً همه شاغل بودند. چنین نتایج متضاد بین کنیا و موزامبیک ممکن است از تفاوت‌های نسبت آموزش حرفه‌ای از کل آموزش و پرورش، برای مثال ۱۰ تا ۲۰ درصد در کنیا (دوز سبک) و ۳۰ تا ۴۰ درصد در موزامبیک (دوز سنگین) و نیز تفاوت‌های شرایط بازار کار ناشی شده باشد که مورد اول با بازار کاری خموده و عقب‌افتاده و مورد دوم با تقاضای شناور برای کارگران ماهر توصیف می‌شود. لذا این نتایج را می‌توان به‌عنوان شواهد حمایت‌کننده از ایده حرفه‌ای‌سازی در دوره متوسطه در نظر گرفت. در این راستا، لاکلو اشاره می‌کند که «هیچ قانون آهنین بین‌المللی وجود ندارد که حکم کند رشته‌های حرفه‌ای در یک مدرسه عمدتاً عمومی آموزش داده شوند [Lauglo, 2005:41].

پس مهم‌ترین عامل مؤثر بر عملکرد رویکرد حرفه‌ای‌سازی چیست؟ اگر هدف اصلی حرفه‌ای‌سازی انتقال موفقیت‌آمیز از مدرسه به دنیای کار باشد، آنگاه دست کم دو عامل ممکن است ذکر شود: «شرایط بازار کار» و «سطوح مهارت کسب شده از طریق حرفه‌ای‌سازی». اما بدون وجود تقاضای کافی بازار کار، هیچ نوع آموزش حرفه‌ای به دانش‌آموزان برای یافتن شغل کمک نخواهد کرد. همچنین، در



همچنین، در مطالعات دیگر درباره کشورهای که از نظر اقتصادی بیشتر توسعه یافته‌اند، ممکن است نتایج مشابه به‌دست آید. برای مثال، بیشاب (۲۰۰۵) از طریق تحلیل جدول‌های داده‌های فارغ‌التحصیلان دوره بالاتر از متوسطه که در آموزش فنی و حرفه‌ای در آمریکا حضور داشتند، گزارش داد که دوره‌های

* پی‌نوشت‌ها

1. Bishop
2. Lauglo
3. Psacharopoulos
4. Loxley
5. Billetoft and AUSTRAL Consultoria
6. Wilson
7. Thinly-spread approach

* منابع

1. Bishop, J. H. and Mane, F. (2005). Economic Returns to Vocational Courses in U.S. High Schools. Vocationalised Secondary Education Revisited. Netherlands: Springer. pp. 329-362.
2. Laglo, J. and Maclean R., eds. (2005). Vocationalised Secondary Education Revisited. Netherlands: Springer.
3. UNESCO. (2013). Expanding TVET at the Secondary Education Level. Asia- Pacific Education System Review Series No. 7. Published in Paris, France.
4. Wilson, D. N. (2005). Promise and Performance in Vocationalised Secondary Education: Has the Baby Been Thrown Out with the Bath Water? Vocationalised Secondary Education Revisited. Netherlands: Springer. pp. 71-90.

الف: پیوند حرفه‌ای‌سازی به اصلاح کل نظام آموزش و پرورش

برای ارائهٔ منسجم آموزش، طراحی و اجرای یک سیاست حرفه‌ای‌سازی باید ارتباط نزدیکی با اصلاح همهٔ جنبه‌های کل نظام آموزش و پرورش داشته باشد. به نظر می‌رسد این پیشنهاد بیشتر به برنامهٔ درسی آمیخته مربوط باشد، چرا که مستلزم یک اصلاح کلی در برنامه‌ریزی درسی و اجرای برنامهٔ آموزش متوسطه در دامنهٔ وسیعی از مدارس است. همچنین، باید بازسازی پیوند میان آموزش متوسطه و آموزش عالی به‌طور جدی مورد توجه واقع شود. به این معنا که اگر درس‌های حرفه‌ای شامل موضوعات انتخابی است، باید به اندازهٔ سایر درس‌های انتخابی در ورود فارغ‌التحصیلان دورهٔ متوسطه به مراکز آموزش عالی ارزش داشته باشند. به‌علاوه، در صورت موفقیت‌آمیز بودن الگوی ارائهٔ تعاونی آموزش حرفه‌ای، باید برخی تغییرات سازمانی دیگر هم برای ارتقای همکاری میان مدارس آموزش حرفه‌ای و آموزش عمومی اعمال شوند.

ب. روشن کردن هدف سیاست حرفه‌ای‌سازی

با توجه به اینکه آموزش حرفه‌ای به سرمایه‌گذاری قابل توجه نیاز دارد، هدف حرفه‌ای‌سازی باید از همان آغاز به روشنی تعریف شود و برای مثال مشخص شود که تمرکز بر آموزش حرفه‌ای به‌عنوان راهی برای انتقال صاف و ساده به بازار کار است یا بیشتر به‌عنوان آموزش پیش حرفه‌ای برای افزایش آگاهی‌های شغلی مطرح شده است. اگر این نقطه تعریف شود، همهٔ سیاست‌های مربوط دیگر را می‌توان مطابق با آن مرتب کرد. برای مثال، اگر هدف ورود مستقیم به بازار کار باشد، آن‌گاه باید بعد از تحلیل کامل نیازهای بازار کار، آموزش حرفه‌ای فشرده‌تری به تعداد نسبتاً کوچکی از دانش‌آموزان ارائه شود. در حالی که اگر هدف افزایش آگاهی شغلی از طریق آموزش پیش حرفه‌ای است، آن‌گاه ممکن است به تمرکز آموزش حرفه‌ای بر حرفه‌ها و شغل‌های خاص اهمیت کمتری داده شود. در عوض عمدتاً باید بر رویکرد «پخش نازک»^۷ (به وسعت دریا و به عمق بند) تأکید شود تا فرصت دسترسی به آموزش حرفه‌ای به تعداد نسبتاً بزرگی از دانش‌آموزان سطح متوسطه داده شود.

صورتی که دانش‌آموزان در کسب مهارت‌های تا سطح مورد نیاز بازار کار شکست بخورند، نمی‌توانند شغل پیدا کنند. در حالی که این دو عامل ممکن است در آموزش حرفه‌ای سنتی دیده شوند. موضوع دیگری که در ارتباط با حرفه‌ای‌سازی می‌توان مطرح کرد عبارت است از: انتشار بیش از حد یا بی‌تابی. ویلسون^۱ (۲۰۰۵) هنگام مرور تجربه‌های کشورهای آفریقایی خاطر نشان کرد: گاهی ابتکارات و اقدامات اولیه برای حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه بیش از اندازه بلندپروازانه بوده‌اند؛ به‌ویژه جایی که کشورهای در حال توسعه کوشیده‌اند در مدت زمانی خیلی کوتاه نظامی زنده و پایدار تدوین کنند. بنابراین، حتی برخی تلاش‌های موفقیت‌آمیز در مرحلهٔ مقدماتی، هنگام تعمیم برنامه در مقیاس ملی، در اثر توزیع رقیق منابع محدود به تقریباً هر مدرسه، در کسب نتایج مورد نظر شکست خورده‌اند. این یعنی: سیاست‌های حرفه‌ای‌سازی به اجرا در صحنه از طریق رویکرد اجرایی و بررسی دقیق تقاضای بازار کار و منابع موجود در هر مرحله نیاز دارند.

مسائل کلیدی خط‌مشی حرفه‌ای‌سازی

بسیاری از کشورهای در حال توسعه در زمینهٔ تأمین معلمان شایسته، امکانات، تجهیزات و مواد آموزشی برای گسترش برنامهٔ آموزش حرفه‌ای با چالش‌های مشترک مواجه هستند. بدیهی است که بر چنین چالش‌های مشترکی نمی‌توان در یک زمان کوتاه غلبه کرد، چون این چالش‌ها عمدتاً به محدودیت‌های مالی کلی این کشورها مربوط‌اند. باید توجه داشت که قبلاً پیشنهادهایی در ارتباط با راه‌های غلبه بر این مشکلات ارائه شده‌اند. بنابراین، به جای تکرار آن پیشنهادها، این گزارش بر چند موضوع کلیدی منتخب متمرکز می‌شود که به نظر می‌رسد کم‌وبیش به‌طور مستقیم با حرفه‌ای‌سازی مرتبط هستند. این مسائل را می‌توان به‌عنوان ملاحظات عام در هر رویکرد حرفه‌ای‌سازی که مزیت‌ها و کاستی‌های خود را دارد، در نظر گرفت و اینکه مطابق با شرایط خاص یک کشور، ممکن است چنین ویژگی‌هایی بیش از اندازه یا کمتر از اندازه باشند. بنابراین، بهتر از پیشنهاد رویکردی معین به‌عنوان گزینهٔ سیاست مشترک، موارد زیر پیشنهادهای عمومی دربارهٔ خط‌مشی هستند که باید در ارتباط با حرفه‌ای‌سازی آموزش متوسطه به حساب آورده شوند: